

علوم عربی بر دو قسم است اول قسم عام که در سایر زبانها هم اینگونه علوم وجود دارد مثل کلام، منطق، تاریخ، جغرافی و غیره که چون در سایر زبانها هم همین علوم وجود دارند در این مبحث ذکر از آنها نمیشود و بجای خود در آنها بحث خواهد شد.

اقسام علوم
عربی

دوم قسم خاص یعنی علومیکه منحصر به عربی است مانند صرف، نحو، لغت و غیره که مورد بحث ما در این مبحث همین قسم میباشد. از علوم خاص عربی چون علم نحو بمنزله کلید برای سایر علوم عربی است و نزد عرب عادت بر این جاری است که قبل از علم صرف شروع بدانستن علم نحو مینمایند بدو خلاصه علم نحو از نظر خوانندگان گرامی میکردند و سپس علم صرف و سایر علوم خاص عربی بنحو ایجاز بترتیب درج خواهد کردید.

احمد اخگر

نخبة النحو

تألیف آقای عباس فرات شاعر شیرین سخن معروف

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس بیقیاس خالق یگانه بی را سزایست که مشت خاک ناچیز را عقل و تمیز بخشیده و قطره آب ببقدرار استعداد مهر سار عطا فرموده تا به نحو شایان درک فیوضات الهیه بنماید و درود فراوان بر روح پاک پیغمبر و دود محمد محمود و اهل بیت مسعود و اصحاب بانمودش باد.

و بعد چون دانستن خلاصه علم نحو برای ما پارسی زبانان بمناسبت پیروی دین مبین اسلام برای فهم معنی قرآن مجید و احادیث نبوی از طرفی و از سوئی برای دانستن معنی و درست استعمال کردن لغات عربی که بمرور زمان جزه زبان فارسی گردیده لازم است. اینجانب که پایه تحصیلاتم در ابتداء علوم عربیه بوده و سالها در مدارس جدید نیز صرف و نحو را تدریس کرده ام خلاصه و مختصری از علم نحو را بنام نخبة النحو تألیف و در دسترس خوانندگان گرامی میکذارم.

نحو در لغت قصد است و در اصطلاح علمی است که بواسطه آن حالات آخر کلمه های سه گانه (۱) از حیث اعراب و بنا، و چگونگی ترکیب بعضی از آنها با بعضی دیگر شناخته میشود.

غرض از علم نحو شناختن اعراب است مثلاً رفع فاعل درجاء زید و نصب مفعول در رأیت زیداً و جر مضاف مانند مررت بزید.

موضوع نحو کلمه و کلام است.

نتیجه دانستن نحو محفوظ داشتن زبان از خطای لفظی در کلام است زیرا علم نحو طرز تلفظ حروف آخر کلمات را بنماید میدهد. باید دانست که آشنا شدن کامل بعلم نحو مشکل است چنانکه یکی از علمای متبحر این فن میگوید:

مردم و حسرت حتی (۲) در دلم مانند نگارنده شرح و بسط به آن تفصیل را لازم ندانسته مسائل کلی و خلاصه مابه الاحتیاج را مورد بحث قرار میدهم.

مبادی نحو مقدماتی است که از تتبع الفاظ مرکه در موارد استعمال حاصل میشود. موصول نحو مرکبات و مفردات است به اعتبار فروع آنها در ترکیبات و ادوات.

فرا گرفتن نحو در بدو امر آسان و سهل بنظر میآید ولی در نهایت صعوبت و اشکال است مخصوصاً برای کسیکه بخواهد در جزئیات آن تعمق کامل کند (۳)

از قبیل وجوه شواذ که بشماره در نمی آید و در غیر آنها مانند مشارکت علامتها در وظایف بعضی بعضی دیگر.

مثلاً در بعضی از اسما، گاهی اعراب سه گانه مقدر است (۴) و گاهی علامت نصب و جر کسره است مانند جمع الف و باء و گاهی بالعکس فتحه علامت جر

است مانند اسما، غیر منصرف که جرشان بفتحه است چون:

عاکفون فی المساجد بفتح دال.

۱- اسم و فعل و حرف

۲- حتی حالات مختلفه پیدا میکنند گاهی رفع دهنده گاهی نصب دهنده گاهی جردهنده

است و تشخیص این اختلافات منافیاً با تولید اشکال میکند.

۳- خوشبختانه کسب صنعت و تحصیل علوم لازمه در این عصر فرصتی نمیدهد که کسی

در این مراحل وارد شود و وقت خود را بیهوده تلف کند

۴- مانند رأیت الرجلین به کسر نون و مررت بمسلمین به فتح نون